

سورة

دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده علوم اجتماعی

عنوان:

بررسی عوامل موثر بر سطوح کارآفرینی زنان شاغل (مورد مطالعه شرکت سایا)

استاد راهنما

جناب آقای دکتر هزار جریبی

استاد مشاور

جناب آقای دکتر سام آرا

دانشجو

پایانه آذربایجان

بهار ۱۳۹۲

تقدیم بہ:

مادم کہ تمام وجودش ہمہ مہربانی و صبوریت۔

ہمسر عزیزم کہ از دلسوزی و حمایتش ہمیشہ مستغنی گشتہ ام۔

خواہرا نم و ہمہ عزیزانی کہ خیر خواہ این حقیرند۔

و تقدیم بہ آنان کہ خود را وقف آگاہی انسانہا و مبارزہ با جہل میمانند۔

تشکر و تقدیر

قبل از هر سخنی از راهبانی ها و زحمات اساتید گرانقدر جناب آقای

دکتر جعفر هزار جریبی و جناب آقای دکتر عزت الله سام آرام کمال

تشکر را دارم و در پایان از خانواده ام کمال قدردانی را دارم.

چکیده:

با توجه به مسأله جهانی شدن و رقابت در دنیای پر شتاب ، تلاش کشورها برای رسیدن به توسعه یافتگی و برخورداری از سطح مطلوب رفاهی ، محققان را به دنبال راهی برای پاسخگویی به این نیاز روز افزون کشاند. یکی از راه های موثر و قابل توجهی که امروزه به آن توجه زیادی می شود کارآفرینی است. در این میان کارآفرینی زنان که جمعیت قابل توجهی از ساکنان کره زمین را تشکیل میدهند ، مورد اهمیت قرار میگیرد چرا که امروزه زنان هم در رشته های مختلف دانشگاهی تحصیل کرده و دارای مهارت های بالایی هستند و در جامعه هم پای مردان مشغول به کارند. با توجه به شرایط کنونی ، توجه به کارآفرینی زنان و آنچه باعث و عامل گسترش این کارآفرینی در میان زنان است قابل توجه می باشد. بنابر این محقق در این تحقیق به بررسی عوامل موثر بر سطوح کارآفرینی زنان پرداخته است و برای این منظور از نظریه های لرنر و همکارانش که به پنج عامل تئوریک بر کارآفرینی زنان نظر دارند و نظریه کوراتکو و همکارانش که به ارائه نظریه در رابطه با عوامل موثر بر کارآفرینی سازمانی معتقدند ، استفاده کرده است. روش مورد استفاده در این تحقیق پیمایشی بوده و جامعه آماری ، کلیه زنان شاغل در شرکت سایپا می باشد که از میان آنها یک نمونه ۱۵۰ نفری انتخاب شد. در این تحقیق واحد تحلیل و مشاهده، فرد است که برای گردآوری اطلاعات از تکنیک پرسشنامه استفاده شده است.

در تحقیق مذکور، سطوح کارآفرینی زنان متغیر وابسته و عوامل موثر بر آن متغیر مستقل می باشند که این عوامل عبارتند از :

۱. عوامل فردی که به عوامل جمعیت شناختی یعنی : تحصیلات ، تجربه قبلی ، سن ، سمت شغلی و وضعیت تأهل تقسیم می شود .
۲. عوامل شبکه ای که شامل : عضویت در گروه ها و انجمن های مختلف زنان می شود .
۳. عوامل سازمانی که موارد زیر را در بر می گیرد :

تفویض اختیار ، فرصت زمانی ، حد و مرزهای سازمانی ، حمایت مدیر و پاداش و تقویت اکنون این سوال مطرح است ، عوامل موثر بر کارآفرینی زنان کدام است و کدام یک از سطوح تاثیر بیشتری بر کارآفرینی زنان دارند؟

با عنایت به سوالات فوق سعی شده است که نتایج تحقیقات به صورت خلاصه آورده شود. از عوامل جمعیت شناختی ، سن ، تحصیلات ، تجربه شغلی و وضعیت تأهل مورد تأیید نبوده و سمت شغلی مورد تأیید می باشد .

در حالت کلی از ۵ عامل فردی مؤثر در کارآفرینی زنان ۱ مورد یعنی سمت شغلی تأیید شد و بقیه عوامل مورد تأیید قرار نگرفتند .

فرضیه مربوط به عوامل شبکه ای مورد تأیید قرار گرفت .

از عوامل سازمانی ، حمایت مدیر تشویق به نو آوری ، تفویض اختیار، فرصت زمانی ، مشخص بودن مرز های سازمانی مورد تأیید بوده و تنها عامل فرصت زمانی مورد تأیید قرار نگرفت .

با توجه به نتایج بدست آمده در مورد میزان کارآفرینی زنان شاغل شرکت سایپا به این نتیجه میرسیم که میزان کارآفرینی در بین زنان شرکت سایپا در حد نسبتاً بالایی است. بنا بر این مولفه های یاد شده تاثیر بسزایی در میزان کارآفرینی در بین زنان شرکت سایپا دارد.

کلید واژه: کارآفرینی، کارآفرینی زنان ، سطح فردی، سطح شبکه ای، سطح سازمانی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار.....
	فصل اول: کلیات تحقیق
	مقدمه فصل اول
۵	۱-۱ طرح مسأله.....
۷	۱-۲ سوال اصلی تحقیق.....
۷	۱-۳ سوال های تحقیق.....
۸	۱-۴ هدف اصلی تحقیق.....
۸	۱-۵ اهداف جزئی.....
۸	۱-۶ ضرورت و اهمیت موضوع.....
۹	۱-۷ سابقه پژوهش و مطالعات انجام شده در داخل.....
۱۱	۱-۸ تحقیقات انجام شده در خارج از کشور.....
۱۳	۱-۹ نوآوری تحقیق.....

فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه تحقیق و مروری بر ادبیات علمی

مقدمه فصل دوم

۱۵	۲-۱ مفهوم کارآفرینی و سیرتاریخی آن.....
۲۳	۲-۲ کارآفرینی زنان.....

۲۴	۲-۳ وضعیت کارآفرینی زنان در جهان
۲۵	۲-۴ وضعیت کارآفرینی زنان در ایران
۲۶	۲-۵ قوانین جمهوری اسلامی ایران درباره اشتغال و کارآفرینی زنان
۲۸	۲-۶ کارآفرینی و اشتغال زنان از دیدگاه اسلام
۲۹	۲-۷ اهمیت کارآفرینی
۳۲	۲-۸ ضرورت کارآفرینی در سازمان
۳۴	۲-۹ انواع کارآفرینی
۳۷	۲-۱۰ تفاوت ها و تشابهات کارآفرینی مستقل و کارآفرینی سازمانی
۳۷	۲-۱۱ دیدگاه ها و تئوری های کارآفرینی
۳۸	۲-۱۱-۱ نظریه های اقتصادی کارآفرینی
۴۰	۲-۱۱-۲ نظریه های مدیریتی کارآفرینی
۴۲	۲-۱۱-۳ کارآفرینی از دیدگاه روان شناسان
۴۳	۲-۱۱-۳-۱ عوامل فردی مؤثر بر کارآفرینی
۴۶	۲-۱۱-۳-۲ عوامل سازمانی مؤثر در فرآیند کارآفرینی
۴۸	۲-۱۱-۴ کارآفرینی از دیدگاه جامعه شناسان
۵۲	۲-۱۲ انواع مدل های کارآفرینی
۵۳	۲-۱۲-۱ مدل های محتوایی
۵۳	۲-۱۲-۲ مدل های فرآیندی
۵۶	۲-۱۲-۳ فرآیند چندبعدی
۵۷	۲-۱۳ مدل کارآفرینی زنان

- ۱-۱۳-۲ مدل لرنر و همکاران ۵۷
- ۲-۱۳-۲ مدل موریس و همکاران ۶۲
- ۳-۱۳-۲ مدل ریچارد کانتیلون ۶۳
- ۴-۱۳-۲ مدل شبیرو و گریگوریو ۶۴
- ۵-۱۳-۲ مدل های ارائه شده برای ایجاد کارآفرینی در سازمان ۶۷
- ۱۴-۲ چارچوب نظری ۷۰
- ۱۵-۲ مدل نظری تحقیق ۷۳
- ۱۶-۲ فرضیه های تحقیق ۷۴
- ۱-۱۶-۲ فرضیه اصلی ۷۴

فصل سوم: روش تحقیق و اندازه گیری و گردآوری داده ها

مقدمه فصل سوم

- ۱-۳ روش تحقیق ۷۶
- ۲-۳ واحد تحلیل و واحد مشاهده ۷۶
- ۳-۳ جمعیت و نمونه ۷۷
- ۴-۳ تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم ۷۷
- ۵-۳ پایایی ۸۱
- ۶-۳ اعتبار ۸۲
- ۷-۳ تکنیکهای جمع آوری اطلاعات ۸۳

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده ها

مقدمه فصل چهارم

- ۴-۱ توصیف داده ها ۸۵
- ۴-۲ تبیین یافته ها ۹۰
- ۴-۲-۱ تحلیل رابطه تحصیلات زنان با کارآفرینی زنان ۹۱
- ۴-۲-۲ تحلیل رابطه درجه شغلی زنان با کارآفرینی زنان ۹۲
- ۴-۲-۳ تحلیل رابطه تجربه شغلی زنان با کارآفرینی زنان ۹۳
- ۴-۲-۴ تحلیل رابطه ارتباط زنان با انجمن ها و کارآفرینی زنان ۹۴
- ۴-۲-۵ تحلیل رابطه حمایت مدیریت از زنان با کارآفرینی زنان ۹۵
- ۴-۲-۶ تحلیل رابطه تفویض اختیار به زنان با کارآفرینی زنان ۹۶
- ۴-۲-۷ تحلیل رابطه تشویق به نوآوری زنان با کارآفرینی زنان ۹۷
- ۴-۲-۸ تحلیل رابطه فرصت زمانی انجام کارهای زنان با کارآفرینی زنان ۹۸
- ۴-۲-۹ تحلیل رابطه مشخص بودن مرزهای سازمانی زنان با کارآفرینی زنان ۹۹
- ۴-۲-۱۰ تحلیل رابطه وضعیت تاهل زنان با کارآفرینی زنان ۱۰۰
- ۴-۲-۱۱ تحلیل رابطه سن زنان با کارآفرینی زنان ۱۰۱

فصل پنجم: خلاصه، نتایج و پیشنهادات

مقدمه فصل پنجم

- ۵-۱ خلاصه تحقیق ۱۰۳

۱۰۷	۵-۲ نتیجه گیری
۱۰۷	۵-۲-۱ بررسی های جمعیت شناختی
۱۰۸	۵-۲-۲ تفسیر نتایج بدست آمده در مورد فرضیات
۱۱۳	۵-۲-۳ تفسیر نتایج به دست آمده در مورد سنجش میزان کارآفرینی
۱۱۳	۵-۳ جمع بندی
۱۱۵	۵-۴ پیشنهادات
۱۱۷	۵-۵ محدودیت ها و مشکلات تحقیق
۱۱۸	منابع

پیشگفتار

مسئله توسعه، رابطه کار و توسعه یافتگی از مباحثی است که همواره مورد توجه جامعه شناسان و دیگر اندیشمندان توسعه بوده است. بی گمان یکی از مسائل و دغدغه اصلی جامعه شناسان از دهه ۱۹۵۰، دستیابی به نسخه ای جهت نیل جهان سوم به پیشرفت و توسعه بوده است (ازکیا: ۱۳۷۷، ۸۷). در این راستا اندیشمندان توسعه به بررسی علل عقب ماندگی این کشور ها و راه های موثر در توسعه آن پرداخته اند. از شیوه های مطرح در دنیای امروز جهت توسعه کشور ها ، کارآفرینی ، یکی از مؤثرترین ها است. در حالی که قرن بیستم را انقلاب تکنولوژیک می نامند ، قرن بیست و یکم را قرن انقلاب کارآفرینی نام نهاده اند. در این تعریف اهمیت نیروی انسانی به عنوان سرمایه اصلی و عامل مهم توسعه یافتگی مطرح است. در دنیای کنونی ، انسانی که مناسب و همگام با تغییرات فزاینده باشد، نیروی کار آفرین است. کار آفرینان با مهارتی که در تشخیص فرصت ها و موفقیت ها و ایجاد حرکت در جهت توسعه این موفقیت ها دارند، پیشگامان حقیقی تغییر در اقتصاد و تحولات اجتماعی محسوب می شوند. یک کار آفرین با هوش ، مهارت و قدرت ابتکار خود، یک بنگاه اقتصادی را در شرایط مختلف سازماندهی و اداره می کند. در اواسط قرن بیستم نظریه کار آفرین در نقش نوآور پایه ریزی شد . مفهوم نوآوری و تازگی جزء تفکیک ناپذیر کارآفرینی در این تعریف است . به علاوه نوآوری یکی از مشکل ترین وظایف کارآفرین است. در این میان پرداختن به مسئله کارآفرینی زنان یکی از مسائل اساسی جوامع در عصر کنونی است. لذا بررسی این موضوع از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل داده و می توانند نقش مفیدی در فرایند کارآفرینی ایفا نمایند.

در ضمن شناخت توانمندیهای زنان و هدایت استعداد های خلاق آنان می تواند در بهره برداری از ظرفیت های این قشر عظیم اجتماعی مؤثر واقع شده و میدانهای کارآفرینی را برای آنان گسترده نموده تا بتوانند در زمینه های فرهنگی ، هنری ، اجتماعی ، زیبایی شناسی ، توسعه صنایع دستی و..... طرحهای نوینی ارائه دهند. اکثر زنان فرصتهای مطلوبی برای شناسایی توانمندیها و استعدادهای خویش نداشته و زمینه ایجاد طرحهای نوین برای آنان فراهم نشده است. بنابر این می بایستی فرهنگ کارآفرینی را در کشور ترویج نموده و هر روز بر گسترش آن در میان زنان تا جایی افزود که کارآفرینی زنان بتواند تأثیر مستقیمی روی توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جامعه داشته باشد. بر این اساس باید عوامل موثری که روی کارآفرینی زنان تأثیر می گذارد و سبب ایجاد روحیه کارآفرینی در آنان می شود مورد بررسی قرار گیرد روند شناخت این عوامل به زنان توانایی شناسایی فرصت های جدید را داده و باعث ترویج روحیه ی کارآفرینی در زنان می شود تا منابع مورد نیاز را جمع آوری نموده و ارزیابی کنند. سپس با بهره برداری از موقعیت های گوناگون طرحهای مناسب را برای رسیدن به موفقیت در کارآفرینی خویش برنامه ریزی نمایند .

زنان در کشورهای رو به توسعه ، امید اول برای ارتقای خانوادهها و رشد و توسعه ی کشورهای خود محسوب می شوند. موفقیت زنان کارآفرین در جوامع نه تنها سبب سودهای اقتصادی می شود، بلکه منافع اجتماعی و فرهنگی هم ایجاد می نمایند. زنان به دلایل متعدد از جمله بیکاری و کاهش دستمزدها و نارضایتی از شغل قبلی، وارد کارآفرینی می شوند. چون کارآفرینی راهی برای برون رفت از بیکاری معمول است.

سه دلیل مهم کشورها برای توجه به مقوله کارآفرینی، تولید ثروت، توسعه تکنولوژی و اشتغال مولد است. در حالی که در کشور ما به اشتباه این مفهوم صرفاً با اشتغالزایی مترادف شده و فقط برای حل مشکل اشتغال به سمت کارآفرینی پیش می رویم. در اواخر دهه ی ۷۰ در بسیاری از کشورهای پیشرفته به علت تغییر در ارزشها و گرایشهای جامعه و تغییرات جمعیت شناختی، موجی از کسب و

کارهای کوچک و افراد خود اشتغال به وجود آمد. همچنین مطالعات در ایران نشان می‌دهد که در فاصله سال‌های ۷۵ - ۱۳۵۵ هجری شمسی بیشترین میزان اشتغال جدید در اقتصاد ایران به شکل کارکنان مستقل (خویش فرما) بوده است. متأسفانه به دلیل عدم حمایت از این کارآفرینان و سوق دادن آنها در مسیر رشد و توسعه، بزرگترین چالش اقتصاد ایران در دهه‌ی ۱۳۸۰ به بعد بحران بیکاری است. در حالی که اگر در فاصله ۲۰ سال مذکور حمایتی جدی از کارآفرینان صورت می‌گرفت، به گونه‌ای که هر یک تنها یک نفر دیگر را به استخدام خود در آورند، در این صورت بزرگترین مشکل اقتصادی دهه‌ی ۱۳۸۰ در اقتصاد ایران کمبود نیروی کار می‌بود. (ملوندی، ۱۳۸۷: ۲۳۱) لازم به ذکر است آشنایی با ادبیات موضوع هر تحقیقی در شکل‌گیری نگرش مناسب راجع به چارچوب تحقیق و بهره‌گیری بهتر از نتایج آن نقش زیادی دارد، از سوی دیگر بررسی و مطالعه تحقیقات گذشته به درک بهتر مسئله کمک می‌نماید و یافته‌های تحقیق را به پژوهش‌های قبلی متصل می‌کند و محقق را از انجام دوباره کاری بی‌نیاز می‌سازد. بدین منظور در این فصل ابتدا برخی مفاهیم اصلی مورد استفاده در این تحقیق توضیح داده می‌شود.

فصل اول

کلیات تحقیق

مقدمه :

یکی از موضوعات اساسی در برنامه های خرد و کلان اقتصادی کشورها توجه به نیروی انسانی است از آنجا که قشر عظیمی از جمعیت جهان را زنان تشکیل می دهند ، توجه به استعدادها و نقش زنان در توسعه کشورها است ضرورت دارد . در ایران برای اولین بار در این دوره با گروه عظیمی از زنان رو به رو هستیم که بر خلاف همه ادوار گذشته صاحب سواد و حتی تحصیلات عالی هستند . بنابراین توجه و شناخت قابلیت ها و توانایی های زنان با توجه به ورود گسترده آنها به عرصه کسب و کار از عوامل مهم در جهت توسعه و شکوفایی است . بنابراین در این فصل به طرح مسأله ، ضرورت و اهمیت و این که به چه دلیل محقق به این موضوع توجه نشان داده و ان را حائز اهمیت شمرده پرداخته ، سپس به اهداف و سؤالات پرداخته شده است .

۱- طرح مسأله

امروزه کشورهای بزرگ صنعتی و پیشرفته جهان، در پرتو وجود افراد تحصیلکرده و متخصص مراکز علمی ، تحقیقاتی و فرهنگی در زمینه های مختلف ، نه تنها به نحو شایسته از منابع و سرمایه های کشور بهره مند می شوند بلکه با استفاده از آنان چرخه های تکنیک و تولید برای رشد و توسعه کشور به حرکت در می آید .

با توجه به مسأله جهانی شدن و رقابت در دنیای پر شتاب ، تلاش کشورها برای رسیدن به توسعه یافتگی و برخورداری از سطح مطلوب رفاهی ، محققان را به دنبال راهی برای پاسخگویی به این نیاز روز افزون کشاند .

مسائل امروز کشورها و سازمانها با راه حلهای دیروز حل شدنی نیست و پیش بینی آینده ، مشکلات آتی را حل نمی کند بلکه باید برای ساختن آینده^۱ اقدام کرد .

^۱ Make The Future

امروزه شرایط محیطی و قواعد بازی رقابت به حدی پیچیده و مبهم گردیده که کشورها و سازمانها دیگر نمی توانند تنها با تغییرات اندک در روشها ، ساختار ، تکنولوژی و عواملی نظیر این ، بقای بلند مدت خود را تضمین کنند.

تغییرات فراگیر در شرایط محیطی همراه با پیشرفت سریع در علم و تکنولوژی ، تحولات و دگرگونیهای زیادی در نظامهای اقتصادی - اجتماعی عصر حاضر به وجود آورده و باعث شده است که سازمانها با تحولات و تهدیدات گسترده بین المللی رو به رو شوند . بنابراین راه حلهای سنتی کارآمدی خود را در تداوم حیات و بقای سازمانها از دست داده و نیاز به راه حلها و روشهای جدید مقابله با تهدیدات و مشکلات به وجود آمده است . امروزه یکی از راه حلهای اساسی که برای مقابله با این تهدیدات در کشورهای پیشرفته مطرح می شود ، تأکید بر عنصر انسانی به عنوان مهمترین سرمایه و منبع پایان ناپذیر الهی است . تجربه ثابت کرده در میان انسانها ، افراد خاصی که ((کارآفرین)) نامیده می شوند مورد توجه خاصی قرار گرفته اند به طوری که اهمیت این کار آفرینان در بخشهای مختلف صنعت ، تجارت و خدمات چه در بخش خصوصی ، تعاونی و ... حیاتی تشخیص داده شده است .

در کشور ما نیز با توجه به تغییرات پر شتاب در عرصه های مختلف ، جابه جایی شدید در قدرت ، پیچیدگی فزاینده ، رقابت روز افزون ، جوانی جمعیت ، ضرورت ایجاد فرصتهای شغلی و تأثیر کارآفرینی بر روند رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای توسعه یافته ، نظر سیاستگذاران و تصمیم گیرندگان کشور را به سوی تلاشهایی در جهت آموزش و تعمیم دانش کار آفرینی در بین افراد سوق می دهد .

زنان نیز به عنوان جمعیتی قابل ملاحظه از جامعه و عضوی از جمعیت فعال اقتصادی هنوز سهم شایسته ای در اقتصاد ملی به دست نیآورده اند .

در حالی که یکی از شاخصهای مهم برای سنجش توسعه هر کشوری، زنان و نوع مشارکت آنان است، زیرا توسعه صرفاً در ارتباط با تولید ناخالص ملی و سطح درآمد سنجیده نمی‌شود و شامل بلوغ اجتماعی و ... نیز می‌گردد. شناخت سطوح کارآفرینی زنان کارآفرین ایرانی، دلایل و ویژگیهای زنان کارآفرین، عوامل سوق دهنده ای می‌باشد که با توجه و تقویت آنان، می‌توان مسیرهای توسعه را هموار نمود، چه بسا زنانی که به اهداف و ویژگیهای خود چون خلاقیت، استقلال طلبی، کنترل درونی و ... آگاه نمی‌باشند. لذا استعدادهای درون خود را نادیده گرفته و به منصف ظهور نمی‌رسانند.

۲- اسوال اصلی تحقیق

آیا بین سطوح فردی، سازمانی و شبکه ای با کارآفرینی زنان رابطه وجود دارد؟

۳ - اسوالهای تحقیق

- آیا بین سطح فردی یعنی عوامل جمعیت شناختی (سن، جنس، تحصیلات، شغل) و کارآفرینی زنان رابطه وجود دارد؟
- آیا بین سطح شبکه ای (شامل ارتباط با انجمن ها، دوستان، مشاوران و...) و کارآفرینی زنان رابطه وجود دارد؟
- آیا بین سطح سازمانی (شامل حمایت مدیران، اختیار، پاداش، اختصاص زمان، موانع سازمانی) و کارآفرینی زنان رابطه وجود دارد.

۴ - ۱ هدف اصلی تحقیق

- شناسایی سطوح کارآفرینی زنان و عوامل مؤثر بر آن

۵ - ۱ اهداف جزئی

- شناسایی سطوح کارآفرینی زنان شاغل
- شناسایی عوامل فردی مؤثر بر کار آفرینی زنان شاغل
- شناسایی عوامل شبکه ای مؤثر بر کار آفرینی زنان شاغل
- شناسایی عوامل سازمانی مؤثر بر کار آفرینی زنان شاغل

۶ - ۱ ضرورت و اهمیت موضوع

توسعه پایدار جوامع و به تبع آن توسعه منابع انسانی وابسته به آن است که دولت‌ها به عنوان قدرتمندترین عامل اقتصادی و اجتماعی بتوانند ضمن بسترسازی مناسب و ایجاد فضای لازم جهت رشد و شکوفایی استعداد‌های انسانی، از توان کل جمعیت فعال اقتصادی اعم از زن و مرد بهره جسته و آن توان را اثر بخش نمایند.

حضور زنان به عنوان بیش از نیمی از پیکر جامعه در فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی از جمله اصول اساسی و اجتناب ناپذیر اهداف در برنامه ریزی های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تمامی جوامع بشری به شمار می آید که این موضوع در جوامع مدرنیته کاملاً ثابت شده است اما در کشورهایی چون ایران که از جمله کشورهای در حال توسعه بوده و در مرحله گذار می باشد از اهمیت بیشتری برخوردار است.

از طرف دیگر با توجه به آمارهای رسمی در سالهای اخیر، سهم اشتغال زنان در کل کشور فقط ۱۳ درصد است و نرخ بیکاری در میان زنان خصوصاً نیروی تحصیل کرده افزایش قابل توجهی داشته

است. نرخ بیکاری زنان در سال ۸۱ و در گروه سنی ۲۴ - ۱۵ ساله ۷۱/۹ درصد برآورد شده است (نیلی و همکاران ، ۱۳۸۲: ۱۲۴) و این میزان بسیار فراتر از متوسط نرخ بیکاری است .

با توجه به مطالب بیان شده ، توجه به کارآفرینی زنان و آنچه باعث و عامل گسترش این کارآفرینی در میان زنان است ضروری و لازم است . بنابراین محقق در این تحقیق تلاش می کند به بررسی عوامل مؤثری که بر سطح کارآفرینی زنان (فردی - شبکه ای - سازمانی) دخیلند را شناسایی کند و با توجه به نتایج بتواند تدابیری برای برداشتن موانع و ورود هر چه بیشتر و گسترده تر زنان در عرصه های کارآفرینی را مهیا کند .

۷ - ۱ تحقیقات انجام شده در داخل از کشور

پروانه گلرد در سال ۱۳۸۶ تحقیقی با موضوع "ویژگی ها ، انگیزه ها و اهداف ترغیب کننده زنان ایرانی در توسعه کسب و کار" انجام داد و نتایج این تحقیق نشان می دهد، ویژگی های شخصیتی زنان کارآفرین ، توفیق طلبی ، استقلال طلبی ، خلاقیت و انعطاف پذیری می باشد . نتایج به دست آمده عبارتند از: هدف زنان در ورود به کسب و کار تأمین نیازهای اقتصادی ، دستیابی به رضایت شغلی و کسب قدرت و اعتبار در جامعه است . مهمترین ویژگی زنان کارآفرین ایرانی توفیق طلبی است و مهمترین هدف زنان در فعالیتهای کارآفرینی رضایت شغلی است . در این تحقیق تنها به ویژگی های فردی کارآفرینی زنان توجه شده و عوامل سوق دهنده دیگری که در کارآفرینی زنان مهم است توجه نشده است.

زهرا آراستی در سال ۱۳۸۵ تحقیقی با موضوع "ساختارهای فرهنگی - اجتماعی مؤثر در ایجاد کسب و کارهای کارآفرینانه" انجام دادند. وی خاطر نشان می کند که محرک های محیطی در پژوهش های بسیاری به عنوان عواملی که زنان را مجبور یا وادار به کارآفرین شدن می کنند ، بررسی شده اند . عدم رضایت از شغل قبلی ، کمبود فرصتهای مناسب، بحرانهای شخصی ، عوامل اجتماعی ، درآمد